

تبیین و تحلیل جایگاه اعداد مقدس در فرهنگ ایران از هخامنشیان تا پایان ساسانیان (۵۵۹ پ.م - ۶۵۱ م.) (نمونه موردی: اعداد سه، هفت، دوازده، چهل و هفتاد دو)

حسن آتش آب پرور^۱

محمد کریم یوسف جمالی^۲

اسماعیل سنگاری^۳

شکوه السادات اعرابی هاشمی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹

چکیده

اعداد در فرهنگ و باورهای مردم ایران و جهان از جنبه رمزی یا مقدس و شوم بودن دارای جایگاه خاصی هستند به گونه ای که بعضی از آن ها را خوب و مقدس و برخی را بد و شوم می پندارند. در ایران نیز، بخصوص بعد از دین زرتشت اعداد نقش بسزایی را در اساطیر و سنت ها جامعه ایفا می کنند. تداوم مقدس بودن اعداد در ادوار تاریخی و انتقال به فرهنگها و تمدن های پسین خود باعث شده تا نقش بسیاری از این اعداد در زندگی امروز نیز قابل مشاهده باشد. برخی از این اعداد پیوندی دیرینه با باورهای آنها دارند و ریشه شناسی اش آنان را با دلایل مقبولیت و رواج آنها آشنا می سازد این دلایل گاه دینی و گاه اسطوره ای می باشند. بنظر می رسد شناخت محیط پیرامون، قدرت های جادویی، مذاهب و ادیان در مقدس شدن اعداد نقش داشته اند. این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی صورت گرفته و نتایج حاصل از این بررسی حاکی از آن است که مقدس شدن اعداد تا حدود زیادی متأثر از مذاهب، ادیان، باورها و تغییرات فصلی بوده است.

واژگان کلیدی: اعداد مقدس، فرهنگ، هخامنشیان، ساسانیان.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه تاریخ باستان، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران؛ karestanyasht@gmail.com

^۲ استاد گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد ایران. (نویسنده مسئول). karimjamali.2000@gmail.com

^۳ دانشیار گروه تاریخ، دکتری تاریخ، زبان ۶ها و تمدن ۶های دنیای باستان، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ e.sangari@ltr.ui.ac.ir

^۴ دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. shokouharabi@gmail.com

۱- مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

سنت ها، فرهنگ ها و باورها در تمدن های بشری، همواره جزء جدایی ناپذیر زندگی انسانها بوده است که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و در این میان اعداد نیز به واسطه نقش خود بر آداب و سنن و زندگی جوامع، جایگاه ویژه ای داشته و از گذشته تا کنون و در اکثر ادوار تاریخ، رمز و راز آنها برای همگان بسیار جذاب و بحث برانگیز بوده است. اعتقاد به ارزش اعداد از زمان های بسیار دور در فکر بشر بوده و دلایل مختلفی می تواند مبنی بر تقدس این اعداد باشد. از جمله ترس از عوامل طبیعی، عقاید انسانهای اولیه، خرافات، باورها، مذاهب و ادیان رایج در دوره های مختلف زندگی بشر باعث می شود تا موضوع مورد نظر یکی از عوامل سرنوشت ساز انسان محسوب شود. تقدس اعداد ریشه تاریخی عمیق دارد، ولی خباثت آن ریشه تاریخی ندارد و صرفاً در برخی فرهنگ ها و جوامع آفریده ی ذهن و ذوق بشر است اما از دیرباز آدمی مجذوب تقدس و راز و رمز نهفته در اعداد بوده است. در ادیان بسیار قدیمی در ایران پیش از اسلام و بعد از اسلام، آمیزه هایی الهی در اعداد مشاهده گردیده است، در یونان قدیم نیز، معادل یابی برای حروف و اعداد در جهت تفسیر و تبیین منطقی، عرفانی متون مذهبی از جایگاه والایی برخوردار بوده است.

قابل ذکر است که نقش نمادین اعداد و فلسفه و اندیشه و هنر و هندسه ی متبادر از آن، به یقین جزء میراث مشترک فرهنگ بشری است. روایی و همخوانی استنتاجات مشترک بین فرهنگ ها از اعداد نمادین، ناشی از همین خصوصیت است. سازمان این سمبل نمادین و آرایه ای در فرهنگ ایران، بر شهودی استوار شده که قرائت های مشابه و یکسانی را در دیگر فرهنگ ها نیز دارد. در نظام و مبانی مفاهیم نمادی بین النهرین، هند و ایران تعریف و تصور مشترکی به طور کامل، قابل محسوس است. تداوم مقدس بودن و تکرر این اعداد در ادوار تاریخی و انتقال به فرهنگها و تمدن های پسین خود باعث شده تا نقش بسیاری از این اعداد مقدس در زندگی امروز نیز قابل مشاهده باشد.

۱-۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

در فرهنگ ها و مذاهب بشری، اعداد غالباً مفاهیم نمادین و با اهمیتی را منعکس می کنند. ضرورت دارد تا با جمع آوری مواد پژوهشی در این مقاله مطالعه تطبیقی اهمیت اعداد نسبت به چگونگی تقدس جایگاه تاریخی و نقش آنها اقدام شود. در بیشتر سنت ها و فرهنگ ها اعداد از تقدس، شومی و همچنین کارکردهای ویژه ای برخوردار بودند. پژوهش پیش رو بر آن است تا با بررسی داده‌های مکتوب و مادی نقش اعداد را از ابتدای عصر هخامنشی تا پایان دوره ساسانیان در تحلیلی جامع ارائه دهد.

۱-۳. پیشینه پژوهش

در زمینه نقش و جایگاه اعداد پژوهش هایی صورت گرفته است. به عنوان مثال آنه ماری شیمیل : ۱۳۶۴ در کتاب خود با عنوان راز اعداد به بررسی مفهوم اعداد در فرهنگ های گوناگون و نیز فرهنگ ایرانی و اسلامی پرداخته است اما این اثر، پژوهشی در زمینه تبیین و تحلیل جایگاه اعداد مقدس در فرهنگ ایران از هخامنشیان تا ساسانیان بحساب نمی آید.

آرش نور آقایی نیز در کتابی تحت عنوان عدد، نماد، اسطوره: ۱۳۹۵ اعداد مهم در اساطیر و فرهنگ ملل مختلف را با مصادیق آنها مشخص کرده است. در این اثر نیز نشانی از تبیین و تحلیل اعداد مقدس در فرهنگ ایران از هخامنشیان تا ساسانیان یافت نمی شود.

علاوه بر موارد ذکر شده مقالاتی نیز در زمینه اعداد چاپ شده اند.

جایگاه عدد سه در فرهنگ و آیین های باستانی ایرانیان، خیراله محمودی ۱۳۸۴ مجله علوم اجتماعی دانشگاه شیراز.

اعداد نمادین ۷ و ۱۲ در موسیقی ایرانی، بهروز وحدانی، کتاب ماه و هنر ۱۳۸۱.

همانگونه که اشاره شد پژوهش های نسبتاً زیادی در مورد بررسی اعداد صورت گرفته است اما تفاوت این مقاله با کارهای پیشین تاکید به تبیین و تحلیل جایگاه اعداد مقدس در فرهنگ ایران

از هخامنشیان تا ساسانیان دارد و به ما کمک می کند تا درک بهتری از اعداد مقدس در تمدنهای بزرگ ایران باستان پیدا کنیم.

۲- بحث

۲-۱. عدد سه

عدد سه، نخستین عددی است که کلمه «همه» به آن اطلاق می شود. به قول ارسطو " عدد سه، شامل آغاز، میان و پایان است." نیروی عدد سه، همگانی است و تداعی کننده: انسان(بدن، جان، روح)، چرخه حیات(تولد، زندگی، مرگ)، و (گذشته، حال و آینده) است. عدد سه، از نظر نمادگرایی تائویی، عدد "نیرومندی" است. زیرا دارای یک منطقه مرکزی تعادل است. لائوتسه می گوید " تائو وحدت را تولید می کند، وحدت ثنویت را تولید می کند، ثنویت تثلیث را تولید می کند و تثلیث همه چیزها را تولید می کند" (شیمیل، ۱۳۹۵: ۷۳).

این عدد در مفهوم فلسفی آن به راه حل میان تضاد و آشتی ناپذیر، به سه جهان تن، ذهن و روح اشاره دارد. این عدد در متون زرتشتی بسیار دیده می شود. در سه هزاره آغاز آفرینش، در سه هزاره پایان آفرینش، و سه هزاره سوشیانس های نجاتگر(بهار، ۱۳۷۵: ۱۶۴). در فرهنگ هندو می توان به خدایان (برهما، ویشنو، شیوا) در فرهنگ ایران باستان (اهورامزدا، مهر و آناهیتا) در بابل (انلیل Enlil، آا Ea، انو Anu) در مصر (ایزیس، ازیوس، هوروس) در یونان باستان (زئوس، پوزیدون، هادس) در دین اسلام می توان به سه اصل دین (توحید، نبوت و معاد) اشاره کرد(آقایی، ۱۳۹۳: ۴۲). زرتشتیان در مراسم آیینی گرفتن شیره هوم مقدس، سه بار آب تقدیس شده را روی شیره هوم ریخته و نیز هاون فلزی را سه بار به نشانه سه اصل مهم مزدیسنا: اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک. می کوبند(هینلز، ۱۳۸۳: ۱۸۲). در ایران باستان زمانی که کودک زاده می شد برای حفظ او از دیوان و جادوان و پریان باید به مدت سه روز از شب تا صبح آتش روشن کرد(مزداپور، ۱۳۹۴: ۱۵۵). جمشید در اوستا دارای سه فره با سه جلوه است: ۱- فره خدایی ۲- فره شاهی ۳- فره پهلوانی، و این سه فره در سه نوبت از او دور میشود(بهار، ۱۳۷۵: ۱۷۷).

در دوران هخامنشیان یعنی از دوره ی اردشیر دوم به بعد مردم به سه ایزد اعتقاد داشتند. این سه ایزد به صورت یک مثلث قرار می گرفت که در راس آن اهورا مزدا و در دو ضلع آن خدایان میترا و آناهیتا قرار داشتند (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۱۴۸).

در دین زرتشتیان کمر بند گشتی یا گستی را سه بار به دور کمر می بندند که نشانه سه باور بنیادی دین مزدا پرستی: اندیشه نیک، گفتار نیک، و کردار نیک است. در مراسم جشن سده نیز بسته ای خار و هیزم آماده می کردند و هنگام شب موبدان لاله به دست سه بار دور کوهه خار و هیزم می گردند و دعا و نیایش می خوانند (دولتخواه، ۱۳۷۹: ۱۰۳۳).

همچنین در بندهش نقل است که تیشتر (ایزد باران) به سه پیکر در آمد پیکر قوچ، پیکر اسب و پیکر گاو. در زمان ساسانیان روز چهارشنبه سوری آتش را به سه کوبه تقسیم می کردند و دور آن ها را با سه فرشته آسمان، آذر، و آبان که فرشتگان مقرب بودند می گشتند و می پریدند و بعد آتش را به هفت قسمت تقسیم می کردند (رضایی، ۱۳۳۸: ۷۴۹).

در روایتی دیگر آمده است که تعداد آتش ها در روز چهارشنبه سوری باید با شماره هفت امشاسپندان مقدس و یا به شمار سه نماینده مقدس گفتار و اندیشه و کردار نیک باشد مهمترین و بزرگترین آتشکده های دوره ساسانی سه آتشکده بودند آذرگشسب، آذرفرنبغ، آذر برزین مهر (یا حقی، ۱۳۷۵: ۱۷۱). در مناسک آتش زرتشتیان، سه گروه آتش وجود دارد، آتش بهرام، آتش آدوران، و آتش دادگاه (هینلز، ۱۳۷۵: ۱۷۹).

آر. سی. زنز در کتاب زروان یا معمای زرتشتی گری می گوید: "متنی شگفت انگیز در روایات فارسی هست که زروان آن را به عنوان خدایی با هفت چهره معرفی می کند و می گوید: هر چهره را سه چشم باشد، ظاهراً برای این هفت چهره نامی و اسمی وجود دارد. هر یک از آن هفت سر این خدایان هیولایی شکل سه چشم دارد. پس هر سه باید نشانگر متفاوتی از این خدا باشد و آن سه چشم سه عملکرد هر جنبه را می نمایند." جالب توجه است که در ماهیت هفتگانه زروان هر کدام از سه قسمت تشکیل شده است.

۱. وجود هستی (فضا، خرد، نیرو)
۲. پیدایش (اشوکار، فرشوکار، زروکار)
۳. دادستان (مهر، دادستان، تقدیر (مهر، سروش، رسن)
۴. زمان بیکرانه (زمان کرانه مند، بخت رفتاری، مینوی سال)
۵. بخت (تقدیر). (بخت، لحظه سرنوشت ساز، حکم قطعی)
۶. خوبی و بدی (عزیزدارنده، رقیب، کسی که دارای دو فرمان باشد)
۷. نظم اجتماعی (موبدی، ارتشتاری، کشاورزی). (آر.سی. زهر، ۱۳۷۵: ۳۵۱).

در اوستا آمده است که: "تیشتر مدت ده شبانه روز باران آورد و به وسیله خرفستران (حیوانات موزی) زهر در آن ریخته شد و آبها شور گردید. پس باد آن آب را سه روز به سوی زمین باز نشاند و سه دریای بزرگ و سی دریای کوچک بوجود آمد" (بهار، ۱۳۶۹: ۸۹). در اوستا آمده است که جنگ بین تیشتر (تیر) با دیو خشکی سه شبانه روز به طول انجامید (بهار، ۱۳۶۲: ۱۱۱). در واپسین دوره چهارم جهان زرتشتیان منتظر سه موعود آینده هستند به نام های هوشید، هوشیدر ماه، و سوشیانت (همان: ۱۶۲). در جشن نوروز در روز اول مردم صبح که از خواب بیدار می شدند و پیش از آنکه کلامی را ادا کنند شکر می خوردند یا ۳ سه مرتبه عسل می لیسیدند و برای حفظ بدن از ناخوشی ها و بدبختی ها روغن به خود می مالیدند و خود را با ۳ سه قطعه موم دود می دادند (کریستین سن، ۱۳۷۷: ۲۵۱).

جامعه مانوی مرکب از پنج طبقه بود طبقه اول دوازده تن رسول (فریستگان)، طبقه دوم هفتاد دو تن اسقف (اسپسگان)، طبقه سوم ۳۶۰ تن شیوخ (مہشتگان)، طبقه چهارم برگزیدگان (وزیدگان)، طبقه پنجم سماعون (نیوشگان) نکته جالب توجه فقط سه طبقه اول تعداد آنها مشخص است. و تعداد دو طبقه آخر نامحدود بود (همان: ۲۷۷). دیو خشکی (اپوش) و فرشته باران (تیشتر) به مدت ۳ روز و ۳ شب در کنار دریای فراخکرد با هم نبرد می کنند (کارنوجی، ۱۳۴۱: ۷۸) نیروی

تنی در بدن به سه بخش تقسیم می شود (جسمانی، آبی و بادی) در تصور زرتشتی بعد از مرگ روان آدمی بعد از گذشتن از پل چینود و برزخ از سه پله (گفتار نیک، کردار نیک، پندار نیک) بالا می رود. و این سه پله بر گروتمان (Garotman) خانه ستایش منتهی میشود (کارنوجی، ۱۳۴۱: ۸۶).

در وندیداد در فرگرد پنجم آمده است "چون تابستان سپری گردد و زمستان فرا رسد، مزدا پرستان باید در هر خانمان سه "کده" برای مردگان بسازند، چندان بزرگ که سر برافراشته و پاهای کشیده و دستهای گشوده را نیازارد. باید تن بیجان مردگان را در آن "کده" ها دو شب یا سه شب یا سی شب فرو بگذارند تا بدان هنگام که مرغکان دیگر باره به پرواز در آیند. گیاهان روئیدن آغاز کنند و آبها روان شوند و باد (بهاری) زمین را بخشکاند" (پورداود، ۱۳۵۳: ۳۱۷). زرتشتیان معتقدند که جهان از سه عنصر آب، آتش و خاک تشکیل شده است. و به همین دلیل مردگان را نمی توان سوزاند و نه در آب غرق کرد و نه در خاک دفن کرد. (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۱۵۵) مزدکیان به سه عنصر آب، آتش و خاک معتقد بودند و اعتقاد داشتند از آمیزش این سه عنصر خیر و شر بوجود می آید (رضایی، ۱۳۳۸: ۳۱۷). این آیین تنها به اسطوره ها و متون پهلوی محدود نمی شود، بلکه بعدها به آیین های مردمی و به خصوص آیین های گذر که در زندگی تک تک افراد رایج است، راه می یابد و تا امروز نیز مشاهده می شود.

۲-۲. عدد هفت و پیوندی ناگسستنی با زندگی مادی و معنوی

عدد هفت در نزد ایرانیان از دیر باز تا کنون عددی مقدس و مشهور بوده و از میان همه اعداد، عدد هفت همیشه مورد توجه مشرق زمین و به خصوص ایرانیان قرار داشته است. این عدد در بابل باستان به دلیل پرستش هفت سیاره مقدس بوده است. در آیین میترایی، و آیین پیش زرتشتی، باور بر این بود که ۷ فلک سیاره ای روح را به حضور الهی می رسانند. این صعود بطور نمادین با هفت دری که گزیدگان باید از آنها رد شوند، نشان داده می شد. (شیمل، ۱۳۹۵: ۱۷۵) عدد هفت بصورت کاملاً پرتنگ در فرهنگ و اساطیر ایرانی دیده می شود در اساطیر ایران باستان، هرمزد

و شش امشاسپندان عدد هفت را تشکیل می دهند. در سفر ارداویرافنامه که صعود روح به جهان دیگر می باشد ویراف هفت روز سفر می کند تا به هدفش برسد (آموزگار، ۱۳۸۸: ۱۵).

مسیر هفت گانه ظاهرا یکی از کلی ترین اندیشه ها در جهان ادیان است، چه هنگامی که عارف فلمی رویزبروک (Ruysbroek) درباره هفت گام صعود عرفانی سخن می گوید یا زمانی که شاعر ایرانی اواخر قرن دوازدهم هجری عطار سفر پرندگان روح از هفت دره نفس را به نظم در می آورد مسلمانان صدر اسلام نیز از اهمیت عدد هفت آگاه بودند. در قرآن آمده است که خدا آسمان را در هفت طبقه آفرید و طواف دور کعبه در مکه هنگام زیارت باید هفت بار انجام شود (شیمل، ۱۳۹۵: ۱۵۹). در متون کهن جهان به هفت اقلیم تقسیم می شود: اُرزّه، سوّه، فرددفش، ویددفش، وروبرشت، وروجرست و خونیرس. خونیرس در مرکز جهان و ایرانویج در مرکز خونیرس است که تمثیلی از آفرینش و هستی نیز می تواند باشد (بهار، ۱۳۷۵: ۶۶).

آسمان را هفت پایه است: نخست ابرپایه، دیگر سپهر اختران، سدیگر ستارگان نیامیزنده، چهارم بهشت که ماه بدان پایه ایستد، پنجم گرودمان که انگز روشن خوانده شود و خورشید بدان پایه ایستد، ششم گاه امشاسپندان، هفتم روشنی بیکران که جای هرمزد است (نور آقایی، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

نجبای هفتگانه ی هخامنشی: پرتال جامع علوم انسانی

هرودوت می نویسد، گئومات غاصب بعد از رفتن کمبوجیه به مصر خود را بجای بردیا پسر کوروش معرفی کرده، بر تخت نشست. اولین کسی که پس از هفت ماه فرمانروایی به گئومات ظنین شد که او فرزند کوروش نیست بلکه مرد شیادی است، هوتن بود. هوتن یک دسته ی شش نفره از نجبای پارس را که به آنها اطمینان داشت، تشکیل داد و با ورود داریوش از پارس تصمیم اتخاذ شد که او را

نیز در گروه خویش وارد سازند. این هفت تن با هم قسم خوردند که برای دفع غاصب اقدام کنند (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۱۱۵).

نام این هفت تن از نمایندگان نجبای هفتگانه هخامنشی در کتاب هرودوت و در کتیبه بیستون از این قرار است:

۱. اتانس (اوتانه)

۲. اسپاتینس (اردومنش)

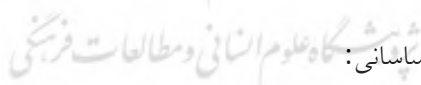
۳. گبرياس (گئوبروو)

۴. ایتتافرنس (وین دفرنه)

۵. مگابیز (بغابوخش یکم)

۶. هیدارنس (ویدرنه)

۷. داریوش (داریوش)



هفت خاندان ممتاز دوران ساسانی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

"واسپوهران" به رؤسا یا بطورکلی افراد خاندان‌های بزرگ، در زمان ساسانی گفته می‌شود. ساسانیان اصول ملوک الطوایفی را از اشکانیان میراث یافتند. به همین جهت در شاهنشاهی جدیدی که اردشیر یکم تأسیس کرد، در مرتبه دوم از حیث درجات و مراتب، طبقه مقتدر رؤسای طوایف را باز می‌یابیم و در رأس آنان هفت خاندان ممتاز قرار دارند. از این هفت دودمان سه خانواده در عهد اشکانیان حائز این مقام عالی و ممتاز شده‌اند: کارن، سورن و اسپاهبد که همه از نژاد اشکانیان بودند. انتساب به سلسله اشکانی را علامت امتیاز می‌دانستند و از این رو

بود که از میان سایر دودمان‌های ممتاز عهد ساسانیان بعضی اهتمام داشتند که خود را به نسل اشکانی منسوب کنند، مثل دودمان‌های اسپندیاذ (اسفندیار) و مهران.

در زمان ساسانی، خاندان‌های ممتاز یا واسپوهران به هفت گروه تقسیم می‌شدند.

۱- خاندان ساسانی (منشأ این دودمان در ایالت پارس بود).

۲- خاندان کارن پهلوی (در حوالی نهند).

۳- خاندان سورن پهلوی (در سیستان).

۴- خاندان اسپاهبذ (در گرگان).

۵- خاندان اسپندیاذ (در اطراف ری).

۶- خاندان مهران (در ری اقامت داشتند ولی رودخانه مهران در ایالت پارس نیز منسوب به این دودمان است).

۷- خاندان زیک (در حوالی آذربایجان اقامت داشتند). (کریستین سن، ۱۳۷۷: ۲۶۸).

ارداویراف موبد دلاور پارسا به مدت هفت شبانه روز جسمش در بستر می‌آرمید و روحش به معراج می‌رود و از احوال نیکان و بدان در بهشت و دوزخ آگاه می‌شود (ژینیو، ۱۳۸۲: ۲۴).

در دین مانی در هر ماه هفت روز روزه می‌گرفتند. و حکمت عملی مانویه مبتنی بر قواعدی چند بود، مخصوصاً قاعده "هفت مهر" چهار مهر مربوط به امور معنوی و اعتقادی و سه مهر متعلق بعمل و کردار اشخاص بود سه مهر کردار از این قرار است مهر دهان (احتراز از ادای سخنان کفرآمیز و ناپاک) مهر دست (اجتناب از عمل یا پیشه‌ای که برای انوارزیان آواراست) و مهر دل (پرهیز از شهوات و آرزوهای پلید) بود (کریستن سن، ۱۳۷۷: ۲۷۸). و عید آذر جشن در هفتم شهریور (شهریور روز از شهریور صورت می‌گرفت).

در عصر بهرام پنجم ساسانی حکم بر آن شد که الحان موجود از لحاظ پرده های سازنده بررسی شود و آنها را که از نظر دور یا گام شبیه یکدیگرند در یک واحد قرار بگیرند. بر این اساس هفت واحد یا گام یا دور یا مقام یا دستگاه بدست آمد که این واحدها چنین نامگذاری شد: بهار، بندستان، آفرین، مادروسپان (ماه دربستان)، گوه، ششم القبه و اسپراس. این هفت واحد چون به فرمان خسرو پرویز استخراج گردیده بود "خسروانی" نامیده شد (مشحون، ۱۳۷۳: ۸۸).

هفت موجود اهریمنی؛ اهریمن و شش دیو، اهریمن بدان پتیارگی، از کماله دیوان، نخست اکومن را فراز ساخت، سپس اندر، سپس ساوول، سپس ناگهیس، سپس ترومد، سپس تریر و زیر، سپس دیگر دیوان، هفتم خود اهریمن بود (آموزگار، ۱۳۸۳: ۳۷). هفت آفرینش مادی؛ هرمزد و شش آفریدگان مادی: از آفریدگان مادی، نخست آسمان، دیگر آب، سدبگر زمین، چهارم گیاه، پنجم گوسفند، ششم مردم و هفتم خود هرمزد بود (همان، ۳۹).

هفت اباختر:

أَبَاخْتَرٌ، (abaxtar) به معنی سیاره، و نیز یکی از جهات چهارگانه است. ایرانیان به وجود اباختر ارزش زیادی قائل بودند. هرمزد مشتری، کیوان زحل، بهرام مریخ، ناهید زهره، تیر عطارد، ماه سیاه یا ماه اباختری و خورشید سیاه یا مهر اباختری. اباختران بر خلاف گوهر اهریمنی شان نامهایی ایزدی دارند. شاید برگزیدن این نامها حاصل نفوذ فرهنگ و نجوم بابلها باشد که سیارات را خدا می انگاشتند (کویر: ۱۳۷۹: ۱۰۱).

هفت کشور:

به نقل از بندهش " گوید در دین که زمین سی و سه نوع است، هنگامی که تیشتر باران ساخت که دریاها از او پدید آمدند، زمین را همه جای نم بگرفت، به هفت پاره بگسست، دارای زیر و زبر و بلندی و نشیب شد. پاره‌ای به اندازه‌ی نیمه‌ای در میان و شش پاره‌ی دیگر پیرامون آن قرار گرفت. آن شش پاره به اندازه‌ی خونیرس است، او آنها را کشور نام نهاد، زیرا ایشان را مرز بود، چنان که پاره‌ای را که به ناحیه‌ی خراسان است کشورارزه، پاره‌ای را که به ناحیه‌ی

خاوران است کشور سوه، دو پاره را که به ناحیه نیمروز است کشور فرددفش و ویددفش، دو پاره را که به ناحیه اباختر است کشور وروبرشن و وروجرشن خوانند. آن را که میان ایشان و به اندازه ایشان است، خونیرس خوانند از این هفت کشور، همه گونه نیکی در خونیرس بیشتر آفریده شد" (بهار، ۱۳۶۹: ۳۹).

۲-۳. عدد دوازده عدد بزرگ اساطیری

عدد دوازده از سه بار تکرار چهار و یا چهار بار تکرار عدد سه می باشد. عدد دوازده اساس تقسیم بندی های گروههای زمان و مکان است. دوازده در بیشتر ملل مبنای تقسیم قرار گرفته و نماد گذشت زمان و پر شدن پیمانان است. در بابل و مصر، منطقه البروج به دوازده برج تقسیم شده بود و هر ماه از ماه های سال را به برجی نسبت می دادند. حماسه گیلگمش نیز با خط میخی بر دوازده لوح نگاشته شده است (فضائل، ۱۳۸۲: ۵۶).

کل آفرینش جهان از دیدگاه اساطیر ایرانی به دوازده هزار سال که خود به چهار دوره سه هزار ساله تقسیم می شود بوجود آمده است (آموزگار، ۱۳۸۳: ۴۲). دوازده هزار سال عمر مفروض جهان با دوازده اختر ارتباط دارند، به طوری که هر اختری یک هزار سال، به ترتیب بروج دوازده گانه، حکومت می کند. این دوره با بره (حمل) شروع می شود و با ماهی (حوت) به پایان می رسد. این سال شمار دوازده هزار ساله به قرار زیر در بندش ذکر شده است "چنین گوید به دین که سه هزار سال هستی مینوی بود که آفرینش بی اندیشه و بی جنبش و نابسودنی بود که هزاره خدایی بره، گاو و دوپیکر بود. سه هزار سال کیومرث را با گاو، هستی بی پتیاره (بی مهاجم و بدون بدی) بود که هزاره خدایی خرچنگ، شیر و خوشه بود" (بهار، ۱۳۶۹: ۹۸).

بابلیان باستان می دانستند که ماه و خورشید از دوازده منزل عبور می کنند. در دوران باستان دوازده ستاره شمالی و دوازده ستاره جنوبی شناخته شده بودند و شاید این ستارگان بر مفاهیم ۲۴ قاضی زندگان و مردگان و دوازده در آسمان و دوازده در دیگر به سوی جهان زیرین (که خدای خورشید مصریان یعنی رع در آن بیتوته می کند) بسیاری از تمدن های باستانی به ویژه

در خاور میانه بر پایه دوازده بوده اند و سال را به دوازده ماه تقسیم کرده اند (شیمل، ۱۳۹۵: ۲۱۵).

به گفته آگوستین چون دوازده حاصل ۳×۴ است، وظیفه رسولان این بوده است که ایمان به تثلیث را در چهار گوشه جهان تبلیغ کنند (شیمل، ۱۳۹۵: ۲۱۷). طبقه اول در دین مانی دوازده تن رسول (فریستگان) بودند. در آئین میترایی، میتر دوازده مرید دارد (کوپر، ۱۳۷۹: ۷۸). در ایران بروج دوازده گانه در بندهشن به این صورت آمده است: گاو (ثور)، دوپیکر (جوزا)، خرچنگ (سرطان)، شیر (اسد)، خوشه (سنبله)، بره (حمل)، ترازو (میزان)، ماهی (حوت)، دلو (سطل چاه)، بز (جدی)، نیم اسب (قوس) و کژدم (عقرب)، (بهار، ۱۳۶۹: ۴۵). در اساطیر ایران پس از مرگ گاو نخستین، از اعضای آن ۵۵ نوع دانه و دوازده نوع گیاه شفابخش می روید (کارنوجی، ۱۳۴۱: ۴۳). گل نیلوفر یا گل یاس دوازده پَر در تخت جمشید وجود دارد که دوازده پَر نشانه دوازده ماه سال است نقش گل بوته ای روی آرامگاه کورش، گلی در مرکز و شامل دوازده برگ نیز وجود دارد (شهبازی، ۱۳۸۴: ۸۱).

دوازده ماه و نام آن‌ها :

آن دوازده ماه را نام از همان امشاسپندان است: فروردین ماه، اردیبهشت ماه، خرداد ماه، تیرماه، امرداد ماه، شهریور ماه، مهر ماه، آبان ماه، آذر ماه، دی ماه، بهمن ماه، سپندارمذ ماه (اسفند). در دین مانی در بیست و چهار ساعت چهار بار نماز می خواندند و در نماز دوازده بار سجده می رفتند (کریستین سن، ۱۳۷۷: ۲۷۹).

۲-۴. عدد چهل عدد کمال

عدد چهل در ایران باستان زیاد کاربرد داشته و در متون اوستایی و فارسی میانه به وضوح دیده می شود. عدد چهل در واژه شب چله، در ارتباط است با جشن سده که یکی دیگر از جشن‌های ایرانیان است. بدین معنی که از شب چله تا جشن سده که در ۱۰ بهمن ماه برگزار می شود،

چهل روز است. گویی جشن سده جشن چهلمین روز تولد خورشید یا همان ایزد «مهر» است (آناکراسنورلسکا، ۱۳۸۲: ۸۹).

در رابطه با عدد چهل می توان اظهار کرد که دوره آبستنی انسان در حدود ۲۸۰ روز و معادل با (۴۰/۷) است. این موضوع بیانگر این است که رشد جنین هفت مرحله داشته و هر یک از این مراحل چهل روز بوده اند. گویی برای به دنیا آمدن یک موجود انسانی، انسان دیگری باید هفت مرتبه، چله نشینی کند. (آقایی، ۱۳۷۸: ۱۱۶)

عدد چهل با پنهان شدن خوشه پروین به مدت چهل روز که در بابل باستان هم دیده می شد همراه است. این که چرا عدد چهل به این اهمیت دست یافته و به نوعی مقدس شده است، شاید به این خاطر باشد که این عدد از ضرب عدد ۴ و ۱۰ به دست می آید. عدد ۱۰ عدد مقدس فیثاغورسیان بوده است و خود از جمع ۴ عدد طبیعی نخستین به دست می آید: $1+2+3+4=10$

آگوستین می گوید "که چهل به کمال روزگار اشاره دارد. اما اگر نخواهیم اهمیت آن را بعنوان مکانی برای اساطیر قمری باستانی توضیح دهیم، می توانیم آن را "تتراکتیس مقدس" (اصطلاحی برگرفته از آثار پانت) بدانیم: "مجموع (۴*۴)+(۴*۳)+(۴*۲)+(۴*۱)، عددی که اندازه گیری آرمانی فیثاغورسیان است (شیمل، ۱۳۹۵: ۲۷۷). هنگامی که چهل را ترکیب ۲۸ منزل قمر با ۱۲ برج منطقه البروج لحاظ کنیم. اهمیت آن معلوم می شود (همان، ۲۶۹). با وجود این، یکی از مهم ترین آثار باستانی موجود در منطقه دشتستان (حدود ۸۰ کیلومتری شهر بوشهر مرکز استان) "غارهای چهل خانه" است. هر چند بر روی این آثار کاری جامع انجام نشده است ولی پرفسور "بال" برای نخستین بار بر بودایی بودن این اثر تاکید دارند، دیدگاه بال، استاد موسسه باستان شناسی انگلیس رد تمامی دیدگاه های سنتی بوده است. (Ball.w:1976).

۲-۵. عدد هفتاد دو

عدد هفتاد دو به عنوان نشان دهنده جمعیت های فراوان در متون دینی بسیار به چشم می خورد. هفتاد دو از اعدادی می باشد که در حوزه شمالی در اوستا مقدس شمرده شده است؛ هر یک از

بخش های یسنا را در اوستا «هایتی» و در پهلوی و فارسی «هات» یا «ها» می نامند و گاهان، هفده هات از هفتاد دو هات یسنا را در بر می گیرد. گذشته از هاتهای هفده گانه گاهان، از پنجاه و پنج هات بازمانده ی یسنا نیز، هاتهای ۳۵ تا ۴۱ را در اوستا «هپتنگ هایتی» (هفت هات) خوانده و از آنها جداگانه نام برده اند؛ چون از نظر زبانی همانند گاهان است؛ جز آنکه منشور است و گمان می رود که در زمانی نزدیک به زمان نگارش گاهان نوشته شده باشد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۱: ۲۴). از طرفی عدد دوازده به دوازده فصل سال اشاره می کند وقتی با عدد هفتاد دو سرکار داریم لزوماً با روز و سال و تقویم چرخشی ایام درگیر می شویم. که سه روز کامل هفتاد دو ساعت است.

عدد هفتاد دو در روزگار هخامنشی هم نقش خود را بخوبی ایفا کرده است. تعداد ستون های کاخ آپادانا در تخت جمشید و شوش هفتاد دو عدد بوده و اگر به کمربندی که زرتشتیان به کمر خود می بندند و به نام "کشتی" یا "کُستی" معروف است دقت کنیم متوجه می شویم که شامل هفتاد دو نخ است که نشان دهنده هفتاد دو فصل یسنا است. کُستی یا کشتی که از هر طرف سه منگوله دارد که سه اصل زرتشتی را بیان می کند. هر منگوله بیست چهار نخ دارد که بیست چهار فصل ویسپرد را گوشزد می کند و این ۷۲ نخ ۶ رشته ۱۲ تایی هستند که شش وظیفه زرتشتیان و شش جشن گاهنبارها را نشان می دهند (هیلنز، ۱۳۷۳: ۷۶). در کتیبه بیستون هفتاد دو بار اسم اهورامزدا تکرار شده است. (سودآور، ۱۳۸۴: ۸۸) طبقه دوم در دین مانی هفتاد دو تن اسقف (اسپسگان) بودند (کریستین سن، ۱۳۷۷: ۲۷۷). زرتشتیان بر این باورند که زرتشت به همراه هفتاد دو تن از یارانش در آتشکده بلخ به دست "توربراتور" (ارجاسپ) به شهادت رسید (نورآقایی، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

نتیجه

در پژوهش حاضر نتایج بدست آمده گویای این حقیقت است که اعتقاد به اعداد به اسطوره هایی که مربوط به زمان آفرینش هستند برمی گردد و اعداد نه تنها با توانایی بشر در ارتباط هستند بلکه از همان ابتدا به عنوان مقدسات مورد توجه بوده اند. و شناخت طبیعت اطراف تا

حد زیادی بر این امر تاثیر گذار بوده است. و ارزش قائل شدن قدرت جادویی برای اعداد مدیون عقاید و تفکرات انسان های ابتدایی است که در پی ناتوانی خویش در مقابل تهدیدات طبیعی و محیطی خویش دست به گریبان قدرت های جادویی می شدند. مذاهب و ادیان نیز نقش مهمی در مقدس شدن این اعداد برای برگزاری مراسمات دینی داشته اند تغییرات فصلی و شبانه روزی برای مقدس شدن اعداد نیز قابل فهم است. تقدس اعداد بر اهمیت و حضور آن در فرهنگ ها و تمدن های بعد خود تاثیر گذاشته و با عبور از دوره های گذر رنگ تقدیس بیشتری به خود گرفته اند.

محاسبه مراسم و آئین های دینی هم پیوند با ایزدان یکی از ابزارهای شناخت دینی است. این تقدس از راه متون اوستایی و متون پهلوی خود را آشکار می کند و نمیتوان منکر تاثیر عمیق آئین گفتاری یا شفاهی در شکل گیری تقدس اعداد و انتقال آن به نسل های بعدی شد. در نتیجه انجام کار کارشناسی و کندوکاو در تعریف های فوق و با توجه به مصداقی که از نقش و جایگاه اعداد مقدس در این پژوهش به آن اشاره شد میتوان نتیجه گرفت که با کمی دقت در فرهنگ ایران باستان جدایی بین باورمندی مردم، ادیان و مذاهب نبوده و به این حقیقت دست یافت که اعداد جایگاه ویژه ای در فرهنگ ایران باستان داشته است.

منابع و مأخذ:

- ۱- آقا شریف، احمد، (۱۳۸۳)، اسرار و رموز اعداد و حروف، تهران، نشر محبی.
- ۲- آموزگار، ژاله، (۱۳۸۶)، تاریخ اساطیری ایران، تهران، انتشارات سمت.
- ۳- ابوالقاسمی محسن، (۱۳۷۵)، راهنمای زبانهای باستانی ایران، تهران، انتشارات سمت.
- ۴- الیاده، میرچا، (۱۳۹۳)، مقدس و نامقدس، ترجمه نصراله زنگویی، تهران، نشر سروش.
- ۵- بهار، مهرداد (۱۳۶۲)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، انتشارات توس.
- ۶- -----، (۱۳۶۹)، بندهش، فرنیغ دادگی، تهران، انتشارات توس.
- ۷- -----، (۱۳۷۵)، پژوهشی در اساطیر ایران، ویراستار کتابیون مزدا پور، تهران، نشر آگاه.
- ۸- پور داود، ابراهیم، (۱۳۵۳)، اوستا، تهران، انتشارات فروهر.
۹. جعفری دهقی، محمود، (۱۳۸۲)، اسب و باران سازی در اساطیر ایران، مجله مطالعات ایرانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره چهارم، صص. ۱۶۹-۱۸۸.
۱۰. جنیدی، فریدون، (۱۳۵۸)، زروان سنجش زمان در ایران باستان، تهران، بنیاد نیشابور سازمان پژوهشی فرهنگی ایران.
۱۱. دالاییکولا، آنا ال، (۱۳۸۵)، اسطوره‌های هند، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز. چاپ پنجم.
- ۱۲- دولتخواه، جلیل، (۱۳۷۹)، اوستا، تهران، انتشارات مروارید، چاپ چهارم.
- ۱۳- رضایی، عبد العظیم، (۱۳۶۸)، اصل و نسب و دین های ایران باستان، تهران، طلوع آزادی.
- ۱۴- زهر، آر، سی، (۱۳۷۵)، زروان (معمای زرتشتی گری) ترجمه تیمور قادری.

- ۱۵- ژینیو، فلیپ، (۱۳۸۲)، ارداویرافنامه، ترجمه ژاله آموزگار، تهران، انتشارات معین.
- ۱۶- سود آور، ابوالعلا، (۱۳۸۴) فره ایزدی در آیین های پادشاهی ایران باستان، تهران، نشر نی.
- ۱۷- شاپور شهبازی، علیرضا، (۱۳۸۴) راهنمای مستند تخت جمشید، تهران، سفیران.
- ۱۸- شوالیه، ژان و الن برگر، (۱۳۸۲)، فرهنگ نمادها، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، تهران، انتشارات جیحون.
- ۱۹- شیمیل، آنه ماری، (۱۳۹۵)، راز اعداد، ترجمه فاطمه توفیقی، چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- ۲۰- قلی زاده، خسرو، (۱۳۸۷)، فرهنگ اساطیری ایران، تهران، نشر پارسه.
- ۲۱- کارنوجی (۱۳۴۱)، اساطیر ایران، ترجمه احمد طباطبایی، تبریز، نشر اپیکور.
- ۲۲- کریستن سن، آرتور، (۱۳۷۷)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران دنیای کتاب.
- ۲۳- کوپر، جی، سی، (۱۳۷۹)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران، نشر فرشاد.
- ۲۴- کراسنورسکا، آنا، (۱۳۸۲)، چند چهره کلیدی در گاهشماری ایرانی، ترجمه ژاله متحدین، تهران، نشر ورجاوند.
- ۲۵- گیرشمن، رمان، (۱۳۷۰)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۶- مشحون، حسن، (۱۳۷۳)، تاریخ موسیقی ایران، تهران، نشر سیمرغ.
- ۲۷- نورآقایی، آرش (۱۳۹۳)، عدد، نماد، اسطوره، تهران، نشر افکار.

۲۸- مینلز، جان (۱۳۷۳)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی، تهران، نشر چشمه.

۲۹- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۷۵)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران، نشر سروش.

منابع لاتین:

- Ball, W: 1976, "Two Aspects of Iranian Buddhism" Bulletin of the Institute of Pahlavi university. No.1-4, shiraz.

- J.P Harcher/Putnam. Spirituality by the Numbers, New York, 1944, pp.227-229

- Jan van Ruysbroek (1293-1381).

- Nyberg, H.S. (1974). *A Manual of pahlavi, part: Glossary*, Wiesbaden: Otto Harrassowitz.

- Reichelt, H. (1911). *Avesta Reader*, Strausburg

- Wasserman, James. *The Mystery Traditions <secret symbols and Sacred Art.*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی